



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۲ / ۰۶
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم			
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»			
عنوان ۳	تفسیر آیه: ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾			
عنوان ۴	سیر عالم آفرینش در پرتو «الرحمن الرحیم»			
عنوان ۵	انواع سیر بازگشت			
عنوان ۶	همبستگی دعوت با رحمت رحیمی			

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

بحث ما در مفردات آیه کریمه ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ به پایان رسید. درباره معنای «حمد» سخن گفتیم و پیرامون معنای لفظ «جلاله» و «الف و لام» آن نیز بحث شده بود. معنای «رب» و «العالمین» هم بیان شد.

تفسیر آیه: ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾

بحث امروز ما، درباره آیه: ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ است که این بحث را سابقاً به مناسبت بسمله، تا حدودی توضیح داده ایم و معنای «رحمن» و «رحیم» را بیان داشته ایم. تفاوت هایی هم که در روایت آمده بود و دقیق است، مطرح شد و برخی از این روایات را قبلاً خوانده ایم؛ مانند: «الرَّحْمَنُ اسْمٌ خَاصٌّ بِصِفَةِ عَامَّةٍ وَ الرَّحِيمُ اسْمٌ عَامٌّ بِصِفَةِ خَاصَّةٍ». گفتیم که منظور از آن چیست؛ چون «الرحیم» در غیر ذات اقدس حق متعال، به کار برده می شود؛ لذا از این ناحیه، لفظی عام است که در غیر خدا هم به کار می رود. معنایش هم خاص است؛ چون همان طور که در روایت آمده بود، رحمت، رحمتی خاصه است «خاص بعباده المؤمنین»؛ ولی رحمت رحمانی، خاص بندگان مؤمن خدا نیست. آنچه امروز، به آن اشاره می کنیم، خلاصه ای از مباحث پیشین، ولی خلاصه ای تکمیلی است.

سیر عالم آفرینش در پرتو «الرحمن الرحیم»

﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ به ویژه بعد از ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ آمده که نشان دهنده یک نظم بسیار دقیق، هم در کلمات سوره حمد است و هم آیات آن. گفتیم ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ به شکلی، اشاره ای به سیر عالم خلق از آغاز تا پایان است و در پایان هم عدل است که در آیه ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ به آن اشاره شده است؛ یعنی در حقیقت، ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ اشاره به جایگاه ربوبیت الهی برای همه عالمین دارد و بعد از اینکه خدای متعال به «رب العالمین»، توصیف شد و صفات خدای

متعال تبیین گردید، به تجلی فعلی الهی در عالم خلق، اشاره می شود که یک سیر نزول و در حقیقت، یک خط دایری دارد که یک سمتش سیر نزولی دارد و یک سمتش سیر صعودی. سیر نزولی اش از صادر اول، شروع می شود تا به پایین ترین مرتبه از مراتب خلق برسد و این اشاره به مرتبه نازل و مراتب بالاتر از مرتبه نازل هم شده است؛ مثل آیه کریمه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا»^۱.

یک نکته جالب در اینجا این است که در برخی روایات، فارغ از صحت و سقمشان، آمده است که «بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا» درباره امامت، نازل شده. من دیده ام برخی از متوقفین بر روایات و علوم اسلامی، این روایت را به مسخره گرفته و گفته بودند که به چه معناست که این آیه درباره امامت باشد؟ درحالی که حرفی دقیق است؛ چون «فَمَا فَوْقَهَا» ذکر شده که مثل اعلایش در عالم خلق، امام است؛ از این رو که در ادامه می فرماید: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ * الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ»؛ مراد از نقض عهد، قطعاً نقض عهد امامت است که در جاهای دیگر هم به آن، اشاره شده است. «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ»^۲ که در سوره محمد صلى الله عليه وآله آمده و ما تأکید داریم که این سوره، سوره ای بسیار مهم است که از ابتدا تا پایان، سیر جامعۀ اسلامی را بعد از رسول اکرم صلى الله عليه وآله توضیح می دهد. در این سوره، به نقض عهد و پیمان شکنی، فراوان اشاره شده و اصلاً تبیین شده است: «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ»^۳ و «فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ»^۴.

به هر حال، سیری که در آیه آمده و فرموده «فَمَا فَوْقَهَا» اشاره به این مراتب دارد. این سیر تجلی صدوری الهی از صادر اول، شروع می شود که همان مثل اعلی است؛ ولی مثل اعلای خلقی و گرنه مثل اعلای وجودی، ذات اقدس حق متعال است: «وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۵.

پرسشگر: ...

معظم له: حرف غلطی نیست. صادر اول، وجود دارد و از همین «فَمَا فَوْقَهَا» می فهمیم که صادر اول، وجود دارد و در روایات هم زیاد به آن اشاره شده است؛ مثل «اول ما خلق الله هم محمد و آل محمد صلى الله عليه وآله». خلاصه، اشکال ندارد که در این جا به «صادر اول» تعبیر کنیم.

پرسشگر: ...

معظم له: ولی چه مناسبتی با آیه بعد و ادامه آیه دارد: «فَأَمَّا الَّذِينَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ».

۱. سوره بقره: ۲۶.

۲. سوره محمد صلى الله عليه وآله: ۲۲.

۳. همان: ۲۵.

۴. سوره انفال: ۲۷.

۵. سوره روم: ۲۷.

۶. امام رضا ع در ضمن روایتی می فرمایند: «فَكَيْفَ لَا نَكُونُ أَفْضَلَ مِنْ الْمَلَائِكَةِ وَقَدْ سَبَقْنَاهُمْ إِلَىٰ مَعْرِفَةِ رَبِّنَا وَتَسْبِيحِهِ وَتَهْلِيلِهِ وَتَقْدِيرِهِ لِأَنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَرْوَاحَنَا»؛ [عیون أخبار الرضا ع؛ ج ۱، ص ۲۶۲].

پرسشگر: ...

معظم له: فاسقینی که «يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ» چه ربطی دارد؟ قطعاً مسأله «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا» یعنی برای هر چیز، مثلی وجود دارد و هر مجموعه‌ای از مراتب عالم مثلی دارد. خود «بعوضه» هم مثلی برای یک دسته‌ای از عالم خلق است تا به بالاتر می‌رسد و به عالم بشر و عالم انسان برسد. مثل عالم انسان چیست؟ مثل اعلی و نمونه برجسته‌اش کیست؟ امام است. در باره حضرت عیسی علیه السلام هم در قرآن کریم آمده که: «وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُون»^۱، پسر مریم، مثل است. انبیا علیهم السلام مثل بودند؛ یعنی نمونه بودند؛ آن هم مثلی که یقاس به غیره. این مثلی که کمالات الهیه کامله در هر عصر و امتی در مثل اعلای آن امت، جلوه می‌کند. ما فعلاً نمی‌خواهیم به نکات آیه بپردازیم؛ بلکه بحث ما در «فَمَا فَوْقَهَا» است که اشاره به درجات و مراتب این عالم خلق دارد. البته در جاهای دیگر هم به درجات عالم خلق، اشاره شده و در آیات کریمه قرآن، مکرراً به آنها اشاره رفته است؛ مانند آیه: «دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۲.

به هر حال، رحمت رحمانیه، رحمتی شامله است که همه تجلیات فعلی الهی را دربر می‌گیرد و این تجلیات فعلی الهی، یک مرحله نزول و صدور دارد و یک مرحله رجوع. صدور به معنای «خلق و آفرینش» است.

پرسشگر: ...

معظم له: نه، آن از «وَالْأَرْضُ ذَاتُ الصَّدْعِ» و «السَّمَاءُ ذَاتُ الرَّجْعِ»^۳. «ذَاتُ الصَّدْعِ» به دلیل شکافی است که در زمین، وجود دارد و «صدع» به معنای شکاف است. «وَالسَّمَاءُ ذَاتُ الرَّجْعِ» را هم می‌شود اشاره به دایری بودن حرکت آسمان و افلاک باشد.

ما نمی‌خواهیم به سماء و ارض، اشاره کنیم؛ بلکه مراد ما مجموع عالم خلق است و در آیات کریمه هم به این سیر صدور و رجوع، اشاره شده است.

ما نیز به چند آیه، اشاره می‌کنیم تا اهمیت سیر صدور و رجوع در منطق قرآنی، معلوم شود:

- آیه ۱۱ سوره روم: «اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»؛ که می‌فرماید یک سیر خلقی داریم که سیر نزول اشیاء در عالم خلق است طبق مراتب خلق تا ادنی مرتبه از مراتب آن.
- آیه ۲۱ سوره فصلت: «وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»؛
- آیه ۵ تا آیه ۷ سوره زمر: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يَكُونُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكُونُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ * خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّكُمْ تَصْرَفُونَ»؛ قبلاً اشاره‌ای کردیم که غالباً واژه «ربوبیت» با مالکیت یا مُلکیت و یا با امر به عبادت

۱. سوره زخرف: ۵۷.

۲. سوره نساء: ۹۶.

۳. سوره طارق: ۱۲ و ۱۳.

خدا همراه می شود؛ مثل «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ»^۱. اینجا هم از همان نمونه هاست که می فرماید: «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ» چون در معنای «رب» گفتیم که در اصل به معنای صاحب اختیار در تصرف و مالک است: «إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»^۲.

• آیه ۱۰۴ سوره انبیاء: «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ».

انواع سیر بازگشت

پس، یک سیر نزولی (صدوری) داریم که حرکت برگشتی دارد و در قرآن کریم، فرموده است: «إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ»^۳ مانند آن، که اشاره به این رجعت به سوی خدای متعال دارد. در رجعت به سوی او دو نوع رجعت داریم:

۱. یک رجعت کلی جهان آفرینش داریم که همان «يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ» و «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ» به آن اشاره می کند؛ یعنی این بازگشت است. ما آفریدیم و دوباره از نو، این آفرینش را نو می کنیم و به سوی ما باز می گردد.

۲. یک دعوت هم مخصوص عالم بشر یا عالم مکلفین، اعم از جن و انس است که از سوی خدای متعال، فراخوانی می شود که: به سوی او باز گردید: «يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ»^۴. این دعوتی است که اشاره به این سیر بازگشت دارد و این سیر بازگشت فراخوانی که از فراخوان، شروع می شود، مخصوص به عالم مکلفین است و در قرآن کریم، دو فراخوانی برای بازگشت به سوی خدای متعال، وجود دارد:

❖ دعوت دنیایی: یعنی در همین عالم دنیا دعوت شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»^۵؛ و «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِآذَنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا»^۶ و حضرت امیر عليه السلام هم در این باره می فرماید: «... سُبْحَانَكَ خَالِقًا وَمَعْبُودًا بِحُسْنِ بَلَائِكَ عِنْدَ خَلْقِكَ خَلَقْتَ دَارًا وَجَعَلْتَ فِيهَا مَأْدَبَةً مَشْرِبًا وَمَطْعَمًا وَأَرْوَاجًا وَخَدَمًا وَقُصُورًا وَأَنْهَارًا وَزُرُوعًا وَثِمَارًا ثُمَّ أَرْسَلْتَ دَاعِيًا يَدْعُو إِلَيْهَا...»^۷ که البته داعی اول، رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و دعوت کنندگان بعد از او هم ائمه اطهار عليهم السلام هستند که در زمان ما هم داعی الی الله، وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف است.

۱. سوره بقره: ۲۱.

۲. سوره زمر: ۷.

۳. سوره هود: ۱۲۳.

۴. سوره اسراء: ۵۲.

۵. سوره انفال: ۲۴.

۶. سوره احزاب: ۴۵ و ۴۶.

۷. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۰۹.

این دعوت، در همین عالم و نشئه اولی است.

❖ دعوت در نشئه ثانیه: «قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا * أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا * يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا»^۱. این دعوت، دعوت نشئه آخری است که با یک فراخوان، همه زنده می شوند.

همبستگی دعوت با رحمت رحیمی

در این دعوت به سوی خدا که حرکت بازگشت عالم مکلفین، با آن شروع می شود، توسط امام علیه السلام انجام می گیرد و امام از سوی خدا داعی این دعوت است. البته امام به معنای اعمش مورد نظر ماست که شامل رسول خدا صلی الله علیه و آله و رسل الهی نیز می گردد و البته داعی اول هم رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و بقیه دعوت، همه داعی از سوی آن داعی اولند؛ لذا از آیات و روایات، استفاده می شود که داعی مطلق علی الاطلاق و داعی مباحثی که اولین کسی است که به داعی بودن از سوی خدا معین شده و تکلیف دعوت به او داده شده، رسول اکرم صلی الله علیه و آله است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»؛ این داعی است.

در این دعوت که به وسیله امام، صورت می گیرد، رحمت رحیمی، مخصوص این سیر رجوعی است که با امام شروع می شود؛ لذا منبع و نقطه جوشش این رحمت رحیمی، خود امام است. البته کتاب نیز همراه امام است؛ لذا در قرآن کریم، هم از کتاب به «رحمت» تعبیر شده و هم از امام. درباره شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۲ و درباره حضرت عیسی علیه السلام و بسیاری از انبیا علیهم السلام هم واژه «رحمت» به کار برده شده و این رحمت رحیمی بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله، ویژگی اش این است که اگر شامل کسی شد و کسی آن را پذیرفت، از او جدا نخواهد شد تا او را به مقصد برساند و همین است مناسبت «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» در سوره حمد با «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است و وقتی گفته می شود مراد از آن، هدایت دلالتی تنها نیست؛ بلکه هدایت ایصالی است، به همین معناست. «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» که نقطه انجام این حرکت رجوعی به سوی خداست و آنگاه می گوئیم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ».

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱. سوره اسراء: ۵۰ - ۵۲.

۲. سوره انبیاء: ۱۰۷.